

اعلامیه مطبوعاتی

تشکیلات خودگردان و دستگاه‌های آن یک بازی رسوا و پست را می‌یافتند؛ برای خاموش ساختن صدای حقی که شباب حزب التحرير و مردم فلسطین با آن فریاد برمی‌آورند
(ترجمه)

گویی تشکیلات خودگردان و کسانی که در پشت آن قرار دارند، گمان کرده‌اند مردم فلسطین مردگانی بی‌جان‌اند؛ در حالی که خود این تشکیلات منکرات را پرورش می‌دهد، نهال‌های شیطان را می‌کارد و اختلاط، رقص و بی‌عفتی را ترویج می‌کند. اما موضع قاطع مردم فلسطین در رد منکرات، آن را شوکه ساخت و دریافت که شباب حزب التحرير - که در رأس امر به معروف و نهی از منکر قرار دارند - سدی استوار در برابر آن هستند؛ از همین‌رو خواست این سد را درهم بشکنند تا میدان برایش در برابر مردم فلسطین خالی شود و بتواند برنامه‌های اربابان «اپستی» خود را ترویج کند.

دستگاه‌های تشکیلات خودگردان روز جمعه ۷ آگست ۲۰۲۶ م شماری از شباب حزب التحرير را در منطقه رام‌الله و اطراف آن بازداشت کردند، خانواده‌های آنان را به وحشت انداختند، به خانه‌هایشان یورش بردند و حرمت‌هایشان را زیر پا کردند؛ اقدامی که کاملاً شایسته تشکیلاتی است که موجودیت خود را در گرو جنگ با اسلام و اهل آن و خدمت به اربابان کافر و یهودی خود قرار داده است.

پیش از این جنایت نیز روز پنج‌شنبه ۶ آگست ۲۰۲۶ م دست به اقدامی پست و رسوا زد و با مشارکت دستگاه‌های مختلف خود، شماری از شباب حزب التحرير را در منطقه الخلیل بازداشت کرد. سپس در شب شنبه موج تازه‌ای از بازداشت‌ها را علیه چهره‌های خیر و کسانی که آشکارا سخن حق می‌گویند، به راه انداخت و به خانه‌ها، حرمت‌ها، زنان و کودکان تعرض کرد؛ صحنه‌ای که در آن، کثافت و جنایت ارتش رژیم مجرم را بازتولید می‌کند.

اما درباره این پستی؛ ما می‌دانیم که والی الخلیل، فرمانده منطقه و شماری از طرف‌های دیگر در نشستی شرکت کردند و تصمیم گرفتند از اداره گمرک و پولیس برای جست‌وجوی بهانه و یافتن رخنه‌هایی استفاده کنند تا برای شباب حزب التحرير پرونده‌های جنایی یا مالی ساختگی بسازند؛ تا بدین‌وسیله از پرداخت بهای بازداشت سیاسی که از آن بیم دارند، فرار کنند. آنان گمان می‌کنند حزب، شباب آن و مردم فلسطین ساده‌لوح و نادان‌اند و این شیوه‌های آلوده و رسوای‌شان بر آنان کارگر خواهد افتاد.

هم‌زمان با این بازداشت‌ها، تشکیلات خودگردان فعالیت‌های مختلط را در دانشگاه‌ها افزایش داده است. دانشگاه القدس شاهد مراسم‌های پی‌درپی فراغت بود که با آواز خوانی، حرکات موزون و خوش‌گذرانی همراه شد؛ سپس همین صحنه در الخلیل نیز تکرار گردید؛ آن‌هم با حضور وزیر معارف، والی، فرماندهان دستگاه‌های امنیتی و رئیس شاروالی که با اجندای تشکیلات همکاری می‌کند و هیچ خواست آن را رد نمی‌نماید.

این مراسم‌ها دارای دلالت‌هایی روشن و انکارناپذیر است: تبدیل مراسم فراغتی که در آن باید از محصلان تقدیر شود، به محافل رقص، نورپردازی، آواز و حرکات موزون، چیزی جز وار کردن بی‌عفتی در هر عرصه و تبدیل برنامه‌ها و گردهمایی‌های باوقار و ارزشمند به محافل پست، با هدف عادی‌سازی بی‌عفتی و نابود کردن تمام معانی حیا و پاکدامنی نیست.

افزایش و گسترش این محافل مبتذل، بدون هیچ جای تردیدی نشان می‌دهد که یک منظومه کامل، رجال تشکیلات خودگردان را به حرکت درمی‌آورد و برنامه‌های تضعیف و بی‌بندوبار سازی مردم را طراحی می‌کند. این مسئله صرفاً اقدام یک وزیر، والی یا مسئول نیست، بلکه منظومه‌ای است که در دو جهت کار می‌کند: یک جهت، منکرات را ترویج، سازمان‌دهی و حتی ایجاد می‌کند و جهت دیگر، با هر کسی که این اعمال زشت را انکار کند، می‌جنگد، او را تعقیب می‌کند و می‌کوشد هر صدایی را که در برابر این زشتی‌ها بلند می‌شود، خاموش سازد.

افزایش این جشن‌ها در زمانی که حملات شهرک‌نشینان شدت گرفته، زمین‌ها مصادره می‌شود، خانه‌ها به آتش کشیده و ویران می‌گردند و خون‌ها ریخته می‌شود، تشکیلات خودگردان را در جرایم رژیم شریک می‌سازد.

تشکیلات خودگردان چه می‌خواهد؟ آیا می‌خواهد مردم فلسطین بر زخم‌های خود برقصند؟ آیا می‌خواهد مردم فلسطین با قتل و ویرانی خو بگیرند و حس و شعور خود را از دست بدهند؟ آیا می‌خواهد مردم فلسطین در غفلت به‌سر ببرند، در حالی که موجودیت‌شان بر این سرزمین تهدید می‌شود؟ تشکیلات از نشر فسق و فجور در میان خون، ویرانه‌ها، ماتم‌ها و اندوه‌ها چه می‌خواهد؟! آیا خود آن و رجال آن پاسخی برای این پرسش دارند؟

اما مردم فلسطین صدای خود را بلند، روشن و آشکار کرده‌اند: ما اختلاط را رد می‌کنیم، ما بی‌عفتی را رد می‌کنیم. اما تشکیلات خودگردان، با اصرار بر برگزاری و افزایش محافل تضعیف‌کننده و مبتذل، میان خود و مردم فلسطین مرزی آشکار میان دو اردوگاه ایجاد کرده است: اردوگاه عفت و پاکی که مردم فلسطین نماینده آن‌اند؛ و اردوگاه بی‌عفتی و خدمت به پروژه‌های کفار که تشکیلات خودگردان و مشتکی افراد بی‌ارزش و فرومایه پیرو آن، نماینده آن هستند.

اما شباب حزب التحریر که تشکیلات برای‌شان توطئه می‌چیند، تشکیلات و رجال سبک‌مغز آن فراموش کرده‌اند که حزب التحریر قدرت‌های جهان را به دردمند انداخته است و دولت‌های بزرگ از نابودی آن و نابودی مشروع آن عاجز مانده‌اند.

تشکیلات خودگردان با این سطح پایین تفکر، نقش آلوده و توان محدود خود، بسیار کوچک‌تر از آن است که بتواند به حزب و شباب آن آسیبی وارد کند. اگر تشکیلات خودگردان ابزاری در دست رژیم یهود و وسیله‌ای در دست جهان کافر نمی‌بود که با ارزش‌های مردم فلسطین می‌جنگد و پروژه‌های غربی‌سازی، بی‌عفتی و زدودن ارزش‌ها را بر آن تحمیل می‌کند، حزب حتی به آن توجه نمی‌کرد تا درباره‌اش سخن بگوید.

اصلاً تشکیلات خودگردان در نقشه حزبی که برای اقامه مشروع امت، یعنی خلافت بر منهج نبوت، با سرسخت‌ترین نظام‌ها مقابله می‌کند، چه جایگاهی دارد؟!

بیان آشکار حق، امر به معروف و نهی از منکر و تبنی مصالح امت، همچنان منهج حزب التحریر و نیز منهج مردم سرزمین مبارک فلسطین باقی خواهد ماند؛ تا آن‌که الله سبحانه و تعالی میان ما و دشمنان حکم کند، این امت را تمکین بخشد و به فرعون و هامان و لشکریان‌شان همان چیزی را از جانب این امت نشان دهد که از آن بیم داشتند.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – فلسطین